



تحلیل امنیتی در مکتب شهید سلیمانی

نجفعلی غلامی^۱

مقدمه

برخی انسان‌ها وقتی در دنیا پایان می‌پذیرند تازه آغاز می‌شوند و تأثیرات ابدی بر پیرامون خود دارند. حضرت سیدالشهدا^(ع) نمونه اتم و اکمل چنین انسان‌های است. تاریخ مطالب زیادی در مورد زندگی قبل از شهادت امام حسین^(ع) ندارد، اما بعد شهادت حضرت، تاریخ تحت تأثیر این شخصیت قرار گرفت. انسان‌های غیرمعصوم اگر چه قابل قیاس و مقایسه با انسان کامل و امام معصوم نمی‌باشند، اما برخی از انسان‌های غیرمعصوم نیز شباهت‌های به انسان کامل خواهند داشت. از جمله شخصیت‌های که می‌توان گفت در این زمینه نوعی قرابت و نزدیکی به حضرت سیدالشهدا دارد، شهید سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی است. این شهید تا قبل از شهادت حتی در میان مردم ایران آنچنان شناخته شده نبود و اگر چه در این چند سال اخیر به یک چهره کاریزما تبدیل گردید، اما بودند افراد زیادی که ایشان را نمی‌شناختند و در سطح منطقه‌ای و جهانی اگر چه شهرت خاصی داشت، لکن فراگیر نبود. اما بعد از شهادت، ایشان تبدیل به یک چهره شناخته شده ملی و بین‌المللی گردید که بسیاری از جوامع را تحت تأثیر خود قرار داد. لذا تأثیر حاج قاسم بعد از شهادت در پیرامون خود، اصلاً قابل مقایسه با قبل شهادت نیست. بر همین اساس مقام معظم رهبری تأکید نمودند که شخصیت حاج قاسم باید در قالب «مکتب شهید سلیمانی» مورد تحلیل، تحقیق و بررسی قرار گیرد. یکی از مقوله‌های مهم در مکتب شهید سلیمانی بررسی اندیشه‌های امنیتی این شهید بزرگوار است که ما سعی داریم با عنایات حضرت حق این مسئله مهم و حیاتی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

با قاطعیت تمام می‌توان گفت که مسئله حکمرانی پیوند عمیق و ناگسستنی با «امنیت» دارد و یکی از مهمترین اهداف و مؤلفه‌های حکمرانی «تولید امنیت» در تمامی سطوح است. اصولاً نگاه به حکمرانی بدون در نظر گرفتن مسئله «امنیت» یک نگاه ابتر، ناقص و غیر قابل قبول است. جدی ترین مطالبه مردم از حکمرانان خود ایجاد «امنیت» در همه ابعاد می‌باشد و این مسئله قابل اغماض نخواهد بود.

امنیت از جمله مباحثی است که می‌توان گفت همزاد بشر است و انسان از بدو خلقت نیازمند و محتاج به این کالای مهم و استراتژیک بوده است. نوع زندگی انسان و چگونگی و کیفیت انتخاب محل زندگی بشر نخستین رابطه عمیق و غیر قابل انکاری با امنیت دارد. ایجاد یک زندگی گروهی از طرف انسان و میل به زندگی باهم نیز وجه دیگری است که حاکی از این است انسان تحقق امنیت را در سایه زندگی جمعی سهل الوصول تر و عینی تر می‌پنداشته است.

با طلوع اسلام و بویژه بعد از استقرار حکومت نبوی (ص) در مدینه، امنیت برای جامعه اسلامی آن دوران به عنوان یک کالای استراتژیک تلقی گردید و انعقاد قراردادهای صلح و عدم تخاصم بین پیامبر اعظم (ص) به عنوان حاکم اسلامی با قبایل یهودی و نصاری اطراف مدینه، دقیقاً در قالب رهیافت تأمین امنیت قابل رصد و بازخوانی است. حکومت اسلامی نوپای مدینه، شدیداً به امنیت نیازمند بود و بر همین اساس استراتژی حضرت رسول معظم (ص) نیز با توجه با این نیاز اساسی طراحی و اجرا می‌گردید. این اهمیت را می‌توان از این دو روایت وارد شده از پیامبر (ص) و امام علی (ع) دریافت:

قال رسول الله (ص): نعمتان مجهولتان الأمان والعافیه^۱

قال علی (ع): فان الصحه والأمان نعمتان مجهولتان لا يعرفهما إلا من فقدهما^۲

تعبیر به اینکه امنیت و صحت در زمان فقدان، جایگاهش مشخص می‌شود، حاکی از اهمیت و حیاتی بودن این دو مقوله است.

امروزه و با توجه به پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی دوران کنونی، «امنیت» در معرض آسیب‌ها و مخاطرات جدی قرار گرفته است و حکومت‌های کنونی عصر ما نیز به شدت به دنبال ایجاد امنیت و رفع آسیب از این کالای حیاتی می‌باشند. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به ماهیت وجودیش و موقعیت ژئوپولتیکی خودش و وجود دشمنان مغرض و قسم خورده‌اش، بطور طبیعی باید به مقوله «امنیت» بصورت جدی و اساسی بپردازد و در صدد آسیب‌شناسی آن بر آید. یکی از بهترین و مهمترین مسیرها در تحقق این مهم، تبیین اندیشه‌های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در مقوله امنیت می‌باشد. بر همین اساس ما در این مقاله سعی خواهیم نمود که به تبیین مکتب شهید سلیمانی پیرامون «امنیت» بپردازیم.

^۱ النیشابوری، روضه الواعظین، ص ۴۷۲

^۲ الغازی، مسند الرضاع، ص ۱۲۰

مبحث اول

تعریف واژگان

امنیت:

امنیت در لغت از ریشه «امن» و به معنای «در امان بودن» و «مصون بودن» از هرگونه تعرض و در «آرامش و آسودگی» است.^۱ همچنین امنیت به معنای در امان بودن از هرگونه تهدید و ترس نیز معنا شده است.^۲

راغب لغت شناس برجسته قرآن کریم نیز در تعریف امنیت آورده است:

«اصل امنیت، طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفتن ترس و خوف است. امن و امان در اصل مصدر هستند و به حالت و وضعی اطلاق می‌گردد که انسان در آرامش باشد. گاه نیز بر چیزهایی اطلاق می‌شود که انسان بر آن امانتدار و امین است.»^۳

بر اساس این تعاریف و تفاسیر از امنیت می‌توان اینگونه استنباط نمود که وجود آرامش و آسودگی خاطر یکی از نمودها و علائم مهم وجود امنیت می‌باشد. به عبارت آخری فقدان آرامش و آسایش در هر محیط و جامعه‌ای حاکی از نبود امنیت در آن محیط و جامعه است.

مبحث دوم

اهمیت و ضرورت امنیت در مکتب شهید سلیمانی

مقوله امنیت ضروری‌ترین مسأله برای انسان بوده و خواهد بود. روایات امنیت را هم‌تراز سلامتی و صحت قرار داده است. قرآن اهمیت دو چندان برای امنیت قائل است چه اینکه در سوره قریش می‌فرماید: «فلیعبدوا رب هذا البيت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف» یعنی نجات از گرسنگی را با نجات از ناامنی را در کنار هم قرار داده است.^۴

واقعیت این است حاج قاسم شهید راه امنیت می‌باشد و از ابتداء جوانی تا لحظه شهادت در مسیر تولید امنیت برای ایران و جهان اسلام قدم برداشت. حضور او در عرصه دفاع مقدس و به عنوان فرمانده لشکر ثارالله کرمان و تلاش‌ها، مجاهدت‌ها و سلحشوری‌های شهید سلیمانی در قالب امنیت افزایی قابل تحلیل

^۱ قریشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۲۳

^۲ معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۳۵۴

^۳ راغب، المفردات، ریشه (امن)

^۴ بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۰۲

و بررسی است. بعد از دفاع مقدس شهید سلیمانی به استان سیستان و بلوچستان می‌رود که یکی از مناطقی است که به شدت نیازمند امنیت می‌باشد. حضور گروه‌های تند و مسلحانه با تمایلات سلفی و تکفیری و جولان باندهای بین‌المللی ترانزیت مواد مخدر این استان را به شدت ناامن کرده و سردار امنیت مأمور تولید امنیت در این استان می‌شود. و در نهایت حضور حاج قاسم در راس فرماندهی سپاه قدس دکترین امنیت در نگاه ایشان را به یک دکترین بین‌المللی تبدیل می‌کند و تلاش او برای تولید امنیت در سطح جهان اسلام آغاز می‌گردد که به واقع یک دکترین و نظریه بی‌بدیل در عرصه امنیت ایجاد نمود.

مبحث سوم

اقسام امنیت در مکتب شهید سلیمانی

امنیت همانند بسیاری از مقوله‌های اجتماعی دارای گونه‌ها و اقسام مختلف و متفاوتی است. از آنجایی که امنیت رابطه مستقیمی با تهدید و خطر دارد بدین معنا که فقدان امنیت محصول وجود تهدید و خطر می‌باشد، گونه‌های امنیت هم با توجه به نوع تهدیدات و خطرات، تقسیم بندی می‌گردد. بنابراین می‌توان با توجه به وجود تهدیدات نرم افزاری و سخت افزاری، امنیت را هم به دو گونه کلی نرم افزاری و سخت افزاری تقسیم نمود.

گفتار اول: امنیت فرهنگی و اجتماعی در مکتب شهید سلیمانی (امنیت نرم افزاری)

امنیت نرم افزاری، معطوف به گونه‌ای از امنیت است که در پی امنیت فکری، فرهنگی و عقیدتی جامعه است که در صورت آسیب دیدن این امنیت، بنیانهای فکری، فرهنگی و اعتقادی یک جامعه فرو خواهد ریخت.

در یک تعریف کلی و مشهور، فرهنگ عبارت است از مجموعه عادت‌ها، باورها، اعتقادات، اخلاقیات و ارزش‌هایی که می‌توانند به عنوان یک عامل مشترک در میان یک کشور جایگاه ویژه‌ای پیدا کنند. به عبارت دیگر فرهنگ به مجموعه ارزش‌هایی گفته می‌شود که بایستی مورد عمل و رعایت واقع شوند. بنابراین امنیت فرهنگی این است که جامعه و افراد آن جامعه دارای مصونیت اخلاقی، فرهنگی و دینی باشند و در معرض تهدید پیرامون موارد مذکور نباشند.

حاج قاسم سلیمانی در عین حال که یک نظامی برجسته و کامل بود، یک چهره کاملاً فرهنگی نیز داشت. او همچنان که در تأمین امنیت سخت، مجاهدت و جان فشانی می‌کرد، در تحقق امنیت نرم و فرهنگی نیز از هیچ گونه تلاشی فروگذار نبود. شهید سلیمانی به یک معنا استراتژیست فرهنگی بود و

بیانات، یادداشت‌ها و خاطره‌گویی‌ها و تعامل او با اهل فرهنگ و هنر، همه حاکی از دغدغه فرهنگی این شهید آسمانی در جهت تولید امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی است.

به صورت خلاصه می‌توان تلاش‌های شهید سلیمانی در جهت تحقق امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی را در دو مورد ذیل خلاصه نمود:

۱- تبیین، ترویج و گسترش فرهنگ شهادت و دفاع مقدس

شهید سلیمانی اعتقاد عمیق داشت یکی از مسائلی که می‌تواند فرهنگ جامعه را از خطرات مصون بدارد ترویج و گسترش فرهنگ ناب شهادت و دفاع مقدس در جامعه است. اصولاً ایشان پویایی و سرزندگی جامعه اسلامی را در هم تنیده با فرهنگ جهاد و ایثار و شهادت می‌دانست و معتقد بود تا هنگامی که جامعه در بستر این فرهنگ حرکت نماید، امنیت فرهنگی خود را تضمین نموده است. شهید سلیمانی در وصیت نامه تاریخی خود پیرامون مقام شهید و شهداء چنین می‌نویسد:

«شهداء محور عزت و کرامت همه ما هستند، نه برای امروز بلکه همیشه اینها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند، آنها را در چشم و دل و زبان خود بزرگ ببیند، همانگونه که هستند. فرزندان‌تان را با نام آنها و تصاویر آنها آشنا کنید، به فرزندان شهداء که یتیمان همه شما هستند به چشم ادب و احترام بنگرید.»

با تأمل در این فقرات از وصیت نامه به اهمیت جایگاه شهید و فرهنگ شهادت در اندیشه‌های شهید سلیمانی پی خواهیم برد و اینکه ایشان معتقد بود این فرهنگ می‌تواند جامعه را به ساحل امن و امان رهنمون سازد.

یکی دیگر از وجوه مهم در تحلیل رفتار حاج قاسم سلیمانی پیرامون ترویج فرهنگ شهادت و دفاع مقدس حضور ایشان در مراسم‌های یادواره شهداء به عنوان سخنران است. اکثر سخنرانی‌های این شهید عزیز در مراسم تجلیل از شهداء است. با اینکه ایشان جزء افراد رده بالا در نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شد، اما ما کمتر شاهد حضور وی در مراسم‌های معمولی و کنفرانس‌ها و سمینارها هستیم و بیشترین نمود حضور وی در مراسم‌های شهید و شهادت است و این خود حاکی از این مطلب است که حاج قاسم مسئله ترویج فرهنگ شهادت را برای خود یک فریضه الهی می‌دانست و علی‌رغم همه گرفتارها و وظائف محوله مهم به ایشان، خود را موظف می‌دانست که در این نوع مراسم‌ها شرکت نماید و به انجام وظیفه بپردازد. گویی که شهید سلیمانی برای دو امر خلق شده بود حضور در جهاد و مجاهدت عملی و ترویج روحیه جهاد و شهادت در محیط پیرامون خود و به واقع نیز عمر عزیز و شریفش را نیز در این دو امر مهم مصروف نمود و خود نیز در نهایت به کاروان شهداء پیوست.

برای نمونه شهید سلیمانی با حضور در یادواره شهداء در دانشگاه کرمان پیرامون ترویج فرهنگ شهادت در دانشگاه‌ها می‌گوید:

«پرداختن به حماسه جبهه‌ها برای خود دانشگاه‌ها نیز مفید است و این تلاش ارزشمند یک تعامل دو طرفه است که در آن دانشگاه به فرهنگ شهادت کمک می‌کند و شهداء به فضای دانشگاه‌ها معنویت می‌بخشند و باید ادبیات پایداری را جهاد علمی دانست.»^۱

توجه شهید سلیمانی به کتاب‌های که با عنوان‌های زندگی نامه شهداء عرضه می‌شود نیز یکی از مصادیق عینی توجه ایشان به ترویج فرهنگ شهادت و دفاع مقدس است. او که خود یک استراتژیست فرهنگی بود خوب می‌دانست که تحقق امنیت فرهنگی و اجتماعی در جامعه بدون فرهنگ کتاب خوانی امری سخت و دست نیافتنی است و لذا خود هم اهل مطالعه بود و هم دیگران را به مطالعه کتاب تشویق می‌کرد و نوعاً هم کتاب‌های را معرفی و تبلیغ می‌نمود که در ارتباط با شهید، شهادت و فرهنگ جهاد باشد و این نیز از تیز بینی‌ها و نکته سنجی‌های این شهید عزیز خبر می‌داد.

حاج قاسم در حاشیه کتاب «زندگی نامه شهید حاج علی محمدی پور» که از شهداء لشکر ۴۱ ثار الله کرمان است و آقای محمد رضا بایرامی این کتاب را تالیف کرده می‌نویسد:

«من این شهید را که درباره اش نوشته‌ای از سالیان قبل می‌شناسم، با هم بزرگ شده ایم، با هم به جنگ رفته ایم... من شب تاصبح نشستم و کتاب تو را خواندم و گریه کردم و گریه کردم. من دست شما را می‌بوسم اما شهدای ما خودشان به اندازه کافی بزرگ هستند، لازم نیست در موردشان اغراق کنیم.»

در این بیان حاج قاسم دو نکته نهفته است اولاً معرفی این کتاب از طرف ایشان به جامعه که قطعاً با توجه به محبوبیت او می‌تواند در ترویج این کتاب کمک کند و ثانیاً یک نکته انتقادی را نیز به نویسنده متذکر شده است که در بیان زندگی شهداء نباید اغراق کرد و آنچه‌نان که هستند باید گفت البته این انتقاد را بسیار نرم و لطیف بیان کرده است که حاکی از روح لطیف ایشان است.

شهید سلیمانی در ابعاد بین المللی هم به واقع یک سفیر بزرگ فرهنگی محسوب می‌شد. نگاه او یک نگاه بسته و محدود نبود او به دنبال هدایت بشریت می‌گشت و از هر فرصتی برای این مهم استفاده می‌نمود. همو بود که بسیاری از آموزه‌های ناب دفاع مقدس را بین‌المللی کرد و میان سایر جوانان مسلمان و شیعه گسترش داد. هنگامی که کتاب «پایه که جا ماند» به زبان عربی ترجمه شد، حاج قاسم این کتاب را برای جوانان عراقی برد و آنها با خواندنش با روحیه مقاومت ایرانی‌ها بیشتر آشنا شدند.

^۱ بیانات شهید حاج قاسم سلیمانی در دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

۲- ترویج فرهنگ ناب اهل بیت و تشیع

عشق به پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت اطهر (ع)، آمیخته با پوست، گوشت و خون حاج قاسم سلیمانی بود. وی معتقد بود آنچه کشور و جامعه اسلامی را از انفعال و رخوت به عمل و حرکت تبدیل می‌کند فرهنگ ناب تشیع و پیامبر و خاندان آن حضرت است. واژه «مدافع حرم» از ابتکارات بدیع و بی‌نظیر حاج قاسم است که این پدیده جدید با ویژگی‌ها و مختصات خاص خود، یک فرهنگ متعالی را ایجاد نمود و باعث شد جوانان شیعه از سرتاسر جهان مجذوب و دلداده این فرهنگ اصیل و ناب شوند. حاج قاسم بر این باور بود که امنیت فرهنگی و اجتماعی در جامعه در سایه فرهنگ اهل بیت رشد و نمو خواهد کرد و متعالی و نورانی خواهد شد. این شهید مکتبی، مکتب علوی، فاطمی و حسینی را مکتب حیات و پویایی می‌دانست و در مسیر احیاء فرهنگ اهل بیت سر از پا نمی‌شناخت. به نقل از اعضای خانواده این شهید، هر هفته روضه خانگی در منزل شهید سلیمانی برقرار بود و در مواقع زیادی هم که ایشان در مسافرت و مأموریت‌های کاری بود پیگیر انجام این مراسم می‌بود. تأسیس فاطمیه در کرمان و برگزاری مراسم باشکوه برای شهادت حضرت زهرا در این مکان بصورت مستمر و به ویژه در ایام فاطمیه حاکی از نگاه راهبردی حاج قاسم به این پرژه فرهنگی بود. بنابراین با رصد رفتارهای شهید سلیمانی در پیرامون اهل بیت و فرهنگ ناب تشیع به این نتیجه مهم رهنمون می‌شویم که شهید سلیمانی یک از مسیرهای تأمین امنیت فرهنگی و اجتماعی در جامعه را ترویج و گسترش و عمق بخشیدن به فرهنگ اهل بیت می‌دانست.

گفتار دوم: امنیت نظامی (امنیت سخت افزاری)

تهدیدات نظامی می‌تواند برای هر کشوری وجود داشته باشد و در برخی از مواقع این توان را دارد که امنیت یک کشور را با مخاطره جدی روبرو سازد و لذا در منظومه حکمرانی کشورها مقوله‌ای به نام امنیت نظامی وجود دارد که در حقیقت به دنبال ایجاد امنیت در بعد فرا داخلی است.

واقعیت این است که احساس قدرت ملی در میان افراد هر جامعه نقش بسزایی در ایجاد همگرایی و روح تفاهم در میان افراد جامعه دارد و می‌تواند تعامل بین جامعه و حکمرانان را افزایش دهد و یک حس افتخار کردن افراد به حکمرانان را به وجود آورد و در این میان بیشترین نقش و تأثیر بر بوجود آمدن احساس قدرت ملی را امنیت نظامی بر عهده دارد. به بیان دیگر وقتی یک جامعه مشاهده کند که هیچ کشوری توان و قدرت تجاوز به کشورشان را ندارد ناخود آگاه حس قدرت به آنها دست خواهد داد و به سیستم حکمرانی خود اعتماد و افتخار خواهند کرد.

اقدام نظامی دشمن می‌تواند حاصل کار چند قرن در جنبه‌های دیگر را از بین ببرد. به عبارت دیگر امکان دارد که دستاوردهای انسان با روش‌هایی غیر از آنچه موجب به وجود آوردن آنها شده، در معرض تهدید قرار بگیرد و نیاز به جلوگیری از تحقق این تهدیدات، فلسفه اصلی نقش حفاظتی - نظامی حکمرانی را

تشکیل می‌دهد. بنابراین همه سیستم‌های حکمرانی در دنیا برای مقابله با تهدید و خطر، دارای نیروی نظامی و دفاعی می‌باشند.

شهید حاج قاسم سلیمانی در نظام جمهوری اسلامی به واقع نماد بارز و کامل امنیت نظامی و دفاعی است. حضور مقتدرانه، متفکرانه و جسورانه این شهید در معادلات امنیتی و دفاعی منطقه، بسیاری از طرح‌های ضد امنیتی دشمنان جمهوری اسلامی را در نطفه خفه می‌کرد. حضور او در مناقشه فلسطین و لبنان و مبارزه با رژیم صهیونیستی باعث شد رژیمی که روزی شعار نیل تا فرات را سر می‌داد به دور خود دیورا بکشد و برای امنیت خود دست‌گدایی به این طرف و آن طرف داشته باشد. مدیریت پروژه داعش، شکست طرح‌های امریکا در منطقه، حفظ سوریه به عنوان خط مقدم جبهه مقاومت و تبدیل جریان‌های مردمی و اسلامی در عراق به یک نیروی فعال در معادلات عراق از شاه کارهای امنیتی شهید سلیمانی است.

مبحث چهارم

مبانی دینی امنیت از منظر شهید سلیمانی

۱- تکلیف‌گرایی و اخلاص:

از منظر دین نوع و کیفیت انگیزه هر عمل، باید هدفمند و هدایت شده باشد. انجام دادن اعمال بدون در نظر گرفتن نوع نیت و انگیزه نمی‌تواند به عنوان یک عمل دینی پذیرفته شود و لذا بر این اساس در آموزه‌های دینی، اعمال و رفتارهای مورد رضایت شارع مقدس خواهد بود که انگیزه و نیتی خالصانه و تکلیف‌گرایانه داشته باشد. تکلیف محوری و احساس انجام وظیفه در هر حال و وضعیت باید ملاک و معیار یک رفتار دینی تلقی شود. قرآن کریم در مواضع متعدد به مسئولیت مردم و رهبران جامعه متذکر شده تکلیف آنان را بیان داشته است. به دو آیه زیر توجه کنیم:

«فَلنَسئَلن الذین ارسل الیهم ولنسئَلن المرسلین»^۱

پس حتماً از کسانی که پیامبران به سوی آنان فرستاده شدند و از پیامبران سؤال خواهیم کرد.

«فوربك لنسئَلنهم اجمعین عما كانوا یعمون»^۲

سوگند به پروردگار تو که از همه در مورد کارهایی که انجام داده‌اند سؤال خواهیم کرد.

^۱ اعراف/۶

^۲ حجر/۹۲

پیامبر گرامی اسلام نیز به مسئولیت و تکلیف الهی همه افراد اشاره داشته و می‌فرماید:

«الاکلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ فالأمر الذی علی الناس راع و مسئول عن رعیتہ و الرجل راع علی رعیتہ و هو مسئول عنهم»^۱

آگاه باشید که همه نگاهبان و وظیفه‌مند بوده، در مقابل وظایف خویش مورد سؤال هستید. پس حاکم بر مردم سرپرست آن‌ها و در مقابل آنان مسئول است، مرد نسبت به اهل خانه اش سرپرست است و در مقابل آنان مسئولیت دارد.

حضور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در جایگاه‌های متنوع نظامی، امنیتی حاکی از نگاه تکلیف‌مدارانه این شهید می‌باشد. اصولاً کسی که به دنبال ادای تکلیف الهی باشد نوع کار و مسئولیت برای او اهمیتی ندارد و سردار دلها به واقع چنین بود. اخلاص شهید سلیمانی همگان را مجذوب او کرده بود و او محبوب همه دلها شده بود. او خود را مأمور به انجام تکلیف می‌دانست و در کنار رعایت همه ضوابط مادی و دنیوی و عقلایی، نتیجه را به خداوند واگذار می‌کرد و در هر حالتی خود را پیروز میدان تلقی می‌نمود. قطعاً اگر امروز حاج قاسم سلیمانی چهره بین‌المللی است که بسیاری از انسان‌های آزاده را مجذوب خود نموده، این مهم حاصل اخلاص او و رفتار تکلیف‌مدارانه این شهید عزیز است. او اهل تظاهر و خود نمایی نبود و اولاً سعی می‌کرد کمتر در دیدگان عمومی و رسانه‌ها ظاهر شود و ثانياً اگر هم حضور پیدا می‌کرد به شدت از تعریف و تمجید خود متنفر بود و در صورت مشاهده این گونه رفتار تذکر جدی می‌داد و مانع می‌شد.

مقام معظم رهبری در دیدار با خانواده شهید سلیمانی می‌فرمایند:

«می‌بینید مردم چه کار می‌کنند برای حاج قاسم، این برای شما تسلی است... بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است. اگر اخلاص نباشد این جور دل‌های مردم متوجه نمی‌شود. دل‌ها دست خداست، این که دلها این جور همه متوجه می‌شوند، نشان‌دهنده این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت»^۲

و به واقع مکتب شهید سلیمانی باید براساس عمل به تکلیف و اخلاص باشد چه اینکه حاج قاسم تربیت یافته «مکتب خمینی کبیر» بزرگ پرچمدار اسلام در عصر حاضر است که او نیز به شدت تکلیف‌گرا و اهل اخلاص و کار برای خدا بود.

بنابراین حاج قاسم در مسیر تأمین امنیت کاملاً به این اصل تکلیف‌گرایی و عمل مخلصانه پایبند بود و امنیتی که او به ارمغان آورد یک امنیت پاک و متعالی است، چرا که به گوهر اخلاص و عمل به تکلیف

^۱ میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۲۷

^۲ بیانات مقام معظم رهبری در منزل شهید سلیمانی، ۱۳/۱۰/۱۳۹۸

نضج و رشد پیدا کرده و به منصف ظهور رسیده است و لذا است که ما می‌بینیم حضور حاج قاسم در جبهه‌های همراه با پیروزی و ظفر است گه در قالب ظاهری و مادی نباید پیروزی حاصل شود مانند حضور ایشان در جنگ ۳۳ روزه حزب الله علیه صهیونیست‌ها و همچنین حضور حاج قاسم در جبهه سوریه و مقابله با داعش که در وهله اول پیروزی دور از دسترس بود، اما رفتار تکلیف‌گرایانه و مخلصانه این شهید معادلات مادی را به هم زد و در نهایت با پیروزی کار با انجام رسید.

۲- نگاه ارزشی به تولید امنیت

جنگیدن به هدف کشور گشایی و انجام فتوحات و تصرفات بدون یک پشتوانه ارزشی، عملی ناپسند و مذموم به شمار می‌رود و هیچگاه مورد تأیید آموزه‌های دینی قرار نخواهد گرفت. دفاع و جهاد هنگامی پسندیده و قابل ملاحظه است که متکی بر ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی باشد.

حکومتی که بنیان آن بر تقوی و عدالت‌پیزی و استوار گردیده و هدف و مقصد آن به تعالی رساندن انسان و حفظ و حراست از هنجارهای اسلامی در ابعاد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و ... است، لامحاله نیازمند تمامی لوازم مورد نیاز این هدف والا و بالا است و نگاه ارزشمدارانه به مقوله دفاع و جهاد یکی از این ملزومات است، چه اینکه در روایات در بیان حالات سپاهیان حضرت ولی عصر (عج) به چنین ویژگی‌های بر می‌خوریم. امام صادق (ع) در بیان حالات و روحیات سپاهیان امام زمان (عج) می‌فرماید:

«آنان پارسایان شب و شیران روز هستند و از ترس خدا حالت خاصی پیدا کرده‌اند و خداوند به وسیله آنان به امام حق یاری می‌رساند.»^۱

جهاد در مکتب شهید سلیمانی و مبارزه و مجاهده در اندیشه ایشان، اصالت ذاتی ندارد و آنچه مهم است هدفی است که او در جهاد دنبال می‌کند.

شهید سلیمانی از دوران جوانی معتقد به نگاه ارزشی و الهی به مقوله جهاد و تأمین امنیت داشت و در دوران دفاع مقدس بر این مطلب چنین تأکید می‌کند:

«ما بعضی وقت‌ها زحمت که می‌کشیم، فشارها و سختی‌ها را تحمل می‌کنیم، واقعا توجه نداریم که برای چه این کارها را می‌کنیم، یعنی یک مقدار از معنویت فاصله می‌گیریم... در جهاد اگر ما توجه به این مطلب نکنیم مثل مزدور قلمداد می‌شویم، حالا این ممکن است تشبیه خیلی سختی باشد؛ اما اگر روی آن دقت نکنی واقعا همین گونه است.»^۲

^۱ بحار ج ۵۲، ص ۳۰۸

^۲ بیانات حاج قاسم سلیمانی، قبل از عملیات و افجر، ۱۳۶۶/۱۲/۱۶

او همین روحیه را تا آخر حیات پر برکت خود داشت و جهاد مدافعان حرم را نیز بر اساس همین شاخصه شکل داد. شهید سلیمانی پیرامون اهداف حضور در دفاع از حرم می‌گوید:

«هرکسی در این جمع حضور پیدا کند برای او یک افتخار است و دلیلش هم این است که شما یک ویژگی‌های برجسته‌ای دارید و آن اینکه برای خدا هجرت کرده‌اید. نفس مهاجر فی سبیل الله یک کار ارزشمند است.»^۱

بنابراین در مکتب شهید سلیمانی جهاد و تأمین امنیت و مبارزه، هدفمند و غایت‌گرا است و اصولاً اهداف مادی و دنیوی در ماهیت جهاد جایگاه و ارزشی ندارد و جهاد و مبارزه‌ای می‌تواند مقدس و مشروع باشد که در قالب اهداف و مقاصد الهی حرکت نماید.

۳- اخلاق گرایی در تولید امنیت

توجه به این نکته به غایت ضروری و مهم است که اسلام و آموزه‌های دینی، بی اخلاقی در هر زمان و مکان و در هر حالت و وضعیتی را محکوم می‌نماید و نمی‌پذیرد. تأمین امنیت نیز از این قاعده مستثنا نیست و رعایت اخلاق و ارزشهای اخلاقی باید در هنگام امنیت افزایی رعایت شود.

کما اینکه در روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت معظم (ع) و سیره عملیه ایشان به مسأله رعایت آموزه‌های اخلاقی تأکید فراوانی شده است.

«عن ابی عبد الله (ع) قال: کان رسول الله (ص) اذا بعث سريه دعا باميرها فاجلسه الى جنبه واجلس اصحابه بين يديه ثم قال سيروا بسم الله وبالله وفي سبيل الله وعلى مله رسول الله (ص) لا تغدروا ولا تغلوا ولا تمثلوا ولا تقطعوا شجره الا ان تضطروا اليها ولا تقتلوا شيئا فانيا ولا صبيا ولا امرأه»^۲

در این روایت امام صادق (ع) از قول پیامبر نقل می‌کند هنگامی که حضرت خود به جبهه جنگ نمی‌رفت فرمانده جنگ را سفارش می‌کرد که حیله و نیرنگ را در جنگ به کار نبرند، جنازه دشمن را مثلثه و تکه تکه نکنند، درختان را قطع ننمایند و پیرمردان، بچه‌ها و اطفال و زنان را نکشند.

فقیه متتبع صاحب جواهر نیز در کتاب جواهر به این نکته اشاره می‌کند:

«یکره قطع الاشجار و رمی النار و تسليط المياه و يحرم اللقاء السم»

^۱ بیانات حاج قاسم سلیمانی، در جمع مدافعان حرم، ۱۳۹۴/۰۸/۱۱

^۲ وسائل الشیعه، کتاب الجهاد، ابواب جهاد العدو، باب ۱۵، ح ۳

کراهت دارد قطع کردن درختان، آتش پرانی بر دشمن، بستن آب بر روی او و ریختن سم در آب ممنوع می‌باشد.

و ایشان بر این مطلب از نهاده شیخ طوسی، غنیه ابن زهره، سرائر ابن ادریس، دروس و لمعه شهید اول، جامع المقاصد محقق کرکی، قواعد، تذکره و تحریر علامه و روضه شهید ثانی ادعای اجماع نموده است.^۱ امروزه نیز اگر چه در کنوانسیون‌های بین‌المللی اخلاق جنگی گنجانده شده است و کشورها متعهد به رعایت اخلاق در جنگ شده‌اند، اما با کمال تأسف اصولاً عزم جدی برای عمل به این نوع معاهدات وجود ندارد و به کرات نقض موازین اخلاقی در جهان امروز از طرف نظام سلطه و اذتاب آن مشاهده شده است که مهمترین آن استفاده از سلاح‌های اتمی، میکروبی و شیمیایی و اخیراً سلاح‌های وحشتناک بیولوژیک در جنگ‌ها است که یکی از فرضیه ویروس کرونا و کوید ۱۹ همین فرضیه جنگ بیولوژیک است. اما با توجه به دستور اسلام به رعایت موازین اخلاقی و انسانی در جنگ، مقام معظم رهبری در فتوای تاریخی خود تولید، تکثیر و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نظیر اتمی، میکروبی و شیمیایی و بیولوژیکی را حرام اعلام کردند که این فتوای بازتاب بسیار مثبت و تأثیرگذاری در سطح جهان در میان اندیشمندان و متفکران داشته است.

واقعیت این است که مرام و سیره حاج قاسم سلیمانی در جهاد و مبارزه هم مبتنی بر رعایت موازین اخلاقی و انسانی بود. او ابتدا خود به خط مقدم و معرکه خطر می‌رفت و سپس دیگران را دعوت به حضور می‌نمود. تواضع و برخورد کریمانه و بدون تکلف و تشریفات در سیره جهادی شهید سلیمانی امری نیست که قابل کتمان باشد و هرکسی که در رکاب این شهید به جهاد و مبارزه پرداخته است به این وجه از اخلاق ایشان اذعان دارد. رعایت حق الناس در موقعیت‌های حساس و پرخطر را خیلی‌ها توجیه و تأویل می‌کنند اما سردار سلیمانی در حساس‌ترین لحظات جنگ و جهاد هم به فکر حق الناس می‌باشد. در عملیات آزادسازی بوکمال در دیرالزور سوریه حاج قاسم از یک منزل به عنوان مقرر فرماندهی استفاده می‌کند و بعد از انجام عملیات نامه‌ای به صاحب خانه می‌نویسد و ضمن عذرخواهی از اینکه بدون اجازه از منزل آنان استفاده کرده است، شماره تلفن خود را می‌گذارد که از این خانواده در ایران پذیرایی کند و جبران نماید.

این یک نمونه از ده‌ها و صدها مواردی است که شهید سلیمانی مقید بر رعایت اخلاق در عرصه جنگ و جهاد می‌باشد.

^۱ جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۶۷

۴- اقتدار و استحکام نظامی در تولید امنیت

نیروهای نظامی در حکومت اسلامی باید از حداکثر قدرت و توان برخوردار باشند و خود را مجهز به پیشرفته ترین سلاح‌ها در عصر زمان خود کنند. در این زمینه قرآن کریم می‌فرماید:

«واعدوا لهم ما استطعتم من قوه ومن رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم»^۱

و در برابر آنان آنچه از قدرت و توان دارید از نیرو (و نفرات و ساز و برگ جنگی) و اسبان ورزیده آماده کنید تا بوسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید.

علامه طباطبایی در المیزان در ذیل تفسیر این آیه شریفه می‌گوید:

«امر عامی است به مؤمنین که در قبال کفار به قدر توانایشان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند و آنچه که توانایی تهیه آن را دارند.»^۲

در تفسیر نمونه نیز در توضیح کلمه «قوه» این چنین می‌خوانیم:

«کلمه قوه چه کوچک و پر معنا است، نه تنها وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن در هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود اعم از مادی و معنوی. از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که آن‌ها نیز در مفهوم قوه مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارند نیز نباید غفلت کرد.»^۳

با دقت در روایات پیرامون قدرت نظامی حکومت امام زمان (عج) نیز به این نکته می‌رسیم که آمادگی نظامی حکومت مهدوی (عج) در اوج خواهد بود. بطور قطع نوع سلاحی که حضرت در نبردها به کار می‌گیرد با دیگر سلاح‌های آن روزگار تفاوت اساسی دارد.^۴ واژه سیف که در روایات وارد شده شاید کنایه از سلاح باشد نه خصوص شمشیر، زیرا طبق روایات، سلاح امام زمان (عج) به گونه‌ای است که با به کارگیری آن دیوارهای شهر فرو می‌ریزد یا شهر پودر و تبدیل به دود می‌گردد و دشمن با یک ضربه همانند نمک آب شده، چون سرب ذوب می‌شود. سلاح سربازان حضرت از آهن است ولی چنان است که اگر برکوه فرود آید دو نیم کند.^۵

سپهبد سلیمانی به واقع یک فرمانده تکرار ناپذیر در عرصه نظامی و امنیتی است. اگر چه او در جزئی‌ترین قسمت‌های عملیات‌ها حضور پیدا می‌کرد و مانند یک رزمنده معمولی در عرصه حاضر بود، اما فکر

^۱ انفال/ ۶۰

^۲ ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۵۱

^۳ تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۲

^۴ ر.ک: مقاله نکاتی پیرامون فرماندهی امام زمان، اثر نگارنده، نشریه حصون، ش ۱۲

^۵ بحار، ج ۲۷، ص ۴۱

استراتژیک و راهبردی داشت و دقائ و ریزه‌کاری‌های فنون نظامی را کاملاً مسلط بود و یک فرمانده برنامه محور و تشکیلاتی بود. او در عین حال یک در عرصه نظامی نابغه محسوب می‌شد، یک دیپلمات ماهر و چیره دست بود. دیدارهای مکرر سردار سلیمانی با شخصیت‌های مهم و سیاسی منطقه و جهان حاکی از نبوغ دیپلماتیک او بود. یکی از ویژگی‌های منحصر بفرد حاج قاسم جسارت، جرأت و ریسک‌پذیری او در عرصه‌های میدانی جهاد و مبارزه است. حضور شهید سلیمانی در پرخطرترین موقعیت‌های جنگی و نظامی بهت و حیرت بسیاری را برانگیخته بود. برای شمار بسیاری از نظامیان غیر ایرانی این حجم از خطر پذیری از یک فرمانده در سطح سردار سلیمانی قابل فهم و درک نبود، اما حاج قاسم از جنس دیگری بود و رفتارهای او هم از جنس خودش.

یک از ابتکارات جاودانه شهید سلیمانی سازمان‌دهی جوانان شیعه از ملیت‌های مختلف و واگذاری مسئولیت‌های مهم به آنان بود که این سنت حسنه هنوز ادامه دارد. تیپ فاطمیون افغانی، تیپ زینبیون پاکستانی، مدافعان حرم ایرانی، حشد الشعبی عراقی، حزب الله لبنانی و حضور گسترده جوانان شیعه از شبه قاره هند، همه و همه نشأت گرفته از فکر عملیاتی و تشکیلاتی این شهید عزیز است. دقیقاً می‌توان گفت این مدل از کار تشکیلاتی حاج قاسم الهام گرفته از نوع کار تشکلاتی پیامبر اکرم (ص) در صدر اسلام است که حضرت ابتداء از قدرت انصار مدینه کمک گرفت و به دنبال آن مهاجرین به خدمت اسلام درآمدند و بعد از فراگیر شدن اسلام در شبه جزیره عربستان حضرت رسول از عصبیت قومی اعراب در جهت کارهای مثبت استفاده کرد و هر قبیله را مسول و متصدی امری در جنگ‌ها و کارهای دیگر دولت نوپای اسلامی می‌نمود و یک رقابت سالم در میان آن‌ها ایجاد می‌کرد که البته همه آن‌ها در قالب کلی امت اسلامی تعریف می‌شدند.

سردار سلیمانی در کار نظامی و امنیتی به شدت اهل تمحض و تخصص‌گرایی بود و با اینکه نفوذ بسیار زیادی در ارکان قدرت جمهوری اسلامی و جامعه داشت؛ اما به شدت از حضور در مناقشات سیاسی و حزبی دوری می‌جست و نگاه او کلان و بلندمدت بود. آنچه برای او اهمیت داشت حفظ خیمه نظام جمهوری اسلامی بود و معتقد بود حفظ نظام ضامن بقای اسلام ناب و تشیع و حرم‌های اهل بیت است و خود را موظف به دفاع و ایجاد امنیت برای نظام می‌دانست، اگر چه در بزنگاه‌های مهم و حیاتی سیاسی کشور نیز حضور پیدا می‌کرد و نقطه نظرات خود را اعلام می‌تمود اما هیچگاه خود را وارد دعوای سیاسی نکرد.

حاج قاسم خود را سرباز نظام و رهبری می‌دانست و تا آخرین لحظه عمر مقدس خود لباس سربازی را از تن بیرون نکرد و در همین لباس و در مسیر ایجاد امنیت برای نظام اسلامی و جهان اسلام و در راه دفاع از حرم اهل بیت در نزدیکترین محل‌ها به کربلای معلی و نجف اشرف و حرم کاظمین و عسگرین^(ع) به آروزی دیرین خود که همان شهادت در راه خدا بود رسید.

عاش حمید اومات سعید

جمع بندی امنیت از منظر شهید سلیمانی

این واقعیت انکار ناپذیر است که شهید والامقام سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی کرمانی شهید را امنیت است. سؤالی که همگان از فرهیختگان تا عامه مردم و بلاخص نسل نوپای جوان و نوجوانان باید مدنظر داشته باشند و بدان پاسخ دهند این است که براستی حاج قاسم جوانی خود، آسایش خود، تحمل دوروی از خانواده و تحمل این همه سختی و مشقت و در نهایت اهداء جان با ارزش و شیرین خود را در تأمین امنیت چه چیز قرار داد؟ که همه چیز را داد تا آن امر مهم امن و امان بماند؟ پاسخ را خود شهید بارها داده است. او از بن دندان و عمق وجود و از اجزاء سلول‌های بدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی اعتقاد داشت و معتقد بود این نظام اولاً باید بماند، ثانیاً با امنیت بماند و ثالثاً با اقتدار پیش برود. به واقع تمام قیام و قعود، رفت و رجوع، فرماندهی و فرمان‌پذیری او برا این مقوله مهم بود که ایران اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی با امنیت و صلابت، مقتدر و با شکوه باشد. واقعیت و قضاوت عادلانه این است که حاج قاسم در حوزه محوله در حیطة وظیفه امنیتی خود و حتی فراتر از آن، کارنامه‌های بی‌بدیل و بی‌نظیر دارد و سالها باید بگذرد تا مادر گیتی دوباره مثل حاج قاسمی به دنیا آورد.

نکته بسیار ناب و حیاتی در امنیت افزایشی و تولید امنیت حاج قاسم برای جمهوری اسلامی، که در متن هم بدان اشاره‌های شد، تولید و تأمین امنیت پاک و الهی است. او فرماندهی نبود که از هر مسیری تولید امنیت کند. او برای ناامن‌کنندگان امنیت حرمت جنگی و اخلاق نظامی قائل بود و مردانه و رشادتمندانه می‌جنگید و اگر چه دشمن امنیت را نابود می‌کرد و امنیت به ارمغان می‌آورد اما هیچگاه به دشمن نامردی نکرد و ناجوانمردانه با او نجنگید. همانطور که در تاریخ معروف است که زره جنگی امیرالمومنین^(ع) پشت نداشت؛ زیرا هیچگاه به دشمن پشت نمی‌کرد و اهل فرار نبود و مردانه می‌جنگید؛ مالک اشتر رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز هیچگاه پشت به دشمن نکرد و ناجوانمردانه حمله نمود. آری امنیت حاصل از خون شهید سلیمانی امنیت مقدس، پاک، متعالی، ارزشی و آسمانی است. او جان داد تا ایران بی‌جان نشود، او خون داد تا رگ‌های انقلاب پر خون‌تر از همیشه در حرکت باشد، او دست داد تا دست‌های دیگری به پا خیزد و به کمک سید مظلوم و مقتدر دوران رهبری معظم انقلاب برآید. او چشم داد تا چشم‌ها در خواب نرود و دشمن انقلاب اسلامی را غافل گیر نکند. او بدنش اربا اربا و مثله شد تا مانع از اربا اربا شدن جمهوری اسلامی که ثمره خون صدها هزار شهید است، گردد و در نهایت او رفت تا ما بمانیم و راه امثال او را ادامه دهیم و قدر فرصت بی‌نظیر جمهوری اسلامی بدانیم که واقعاً مشخص نیست تاریخ چند بار دیگر می‌تواند موقعیتی مانند جمهوری اسلامی را فراهم نماید.

منابع:

- [۱] قرآن کریم
- [۲] نهج البلاغه
- [۳] آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
- [۴] الغازی، داود بن سلیمان، مسند الرضا(ع)، بی جا: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
- [۵] القتال النیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین، قم: منشورات الشریف الرضی، بی تا.
- [۶] جهان بزرگی، احمد، امنیت، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- [۷] خامنه ای، سید علی، حدیث ولایت، تهران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- [۸] راغب اصفهانی، معجم المفردات الالفاظ القرآن الکریم، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دار القلم، چاپ اول، دمشق.
- [۹] دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
- [۱۰] شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- [۱۱] طبرسی، ابو علی فضل بن حسن مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- [۱۲] طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم، موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- [۱۳] قاضی زاده، کاظم، اندیشه‌های فقهی-سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز تحقیقات ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- [۱۴] قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲.
- [۱۵] معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- [۱۶] مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پانزدهم، قم.
- [۱۷] مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- [۱۸] معرفت، محمد هادی، التمهید فی العلوم القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ ق.
- [۱۹] محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۶ ق.
- [۲۰] نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.